

در حاشیه رویدادها

الف - در حکایت مسلمین مستضعف:

"ستون ستبر اسلام" هر روز کلفت تو میشود

زمانی آیت الله طالقانی در تعریف "مستضعف" توضیح داد که هر چه ضعف کشیده شده ای مستضعف است و از بار بار بیانی مثال آورد که محدودیت های ظالمانه رژیم پهلوی، جلوی پیشرفت شان را سد کرده و آنها را به ضعف کشیده است.

در همان زمان، به ضعف کشیده شدگان بازار با سرعت و دقیقاً با راجای پای حاکمان قبلی میگذاشتند. یکی از شگردهای مستضعفان اسبق این بود که بیدرنگ پس از روی کار آمدن رژیم جدید دست به تاسیس "بانک اسلامی" زدند - درست به همان شیوهی طاغوتی که هر یک از باندهای سرمایه داران، با بانک خصوصی خود را به راه میانداخت.

اندکی بعد که موضوع ملی (یا دولتی) شدن بانک ها پیش آمد، حریفان تازه نفس مدعی شدند که دکان آنها هرگز بانک نبوده، بلکه "سازمان اقتصاد اسلامی" است و بار بار با احتکار و امثال آن سروکاری ندارد.

با سبیل حوادث، داستان فراموش شدنا چند هفته پیش که عزت الله سعیدی در مجلس حرف از ۱۲۰ میلیارد تومان سود خالص بازار در سال ۵۹ زد و به سازمان اقتصاد اسلامی کسه انحصار چیزهای بسیاری، از جمله لایف مصنوعی را در اختیار گرفته اشاره کرد. سعیدی از خود بازار بار بار روایت کرد که سود بخش تجاری در سال گذشته ("سال امنیت") در تاریخ سابقه نداشته است. به یاد می آوریم که کل بودجهی دولت در سال ۱۳۵۹، ۲۴۰ میلیارد تومان بود.

چند ماه پیش از آن، امید مستضعفان جهان در دبستان با کسبه قم، از بازار بعنوان "ستون ستبر اسلام" تجلیل کرد و از فواشدهای صحرای اقتصاد سخن ها گفت. ارزش ریالی فواشدهای مستضعفان آیت الله العظمی خمینی برای هیچ طایفه ای به اندازهی "ستون ستبر اسلام" محسوس نبود که به میمنت مبارزه با شیطان بزرگ قیمت کم مصرف ترین کالای تهران را هم یک شبه به چندین برابر رساند.

در هر حال، با کنار هم گذاشتن این دو نکته، ناچار به این نتیجه میرسیم که ستون ستبر اسلام از هر وقت دیگری کلفت تر شده است. اما این تمام قضیه نیست. سود دست کم ۱۲۰ میلیاردی بازار، نصیب کسانی شده که علی الاصول عمدتاً "واکثرا" مقلد مراجع اند و مراجع هم، به نوبه ی خود، همواره از عنایات آنها سبکبار بوده اند. بنا بر این، یک پنجم از این سود تاریخی و افسانهای، یعنی دست کم چیزی در حدود ۲۴ میلیارد تومان برای سهم امام کنار گذاشته شده است. اگر فرض کنیم که وجوه شرعی به تساوی میان مراجع عالیقدر جهان تشیع تقسیم شده باشد، به هر یک از آن چهار مظهر علم و تقوا، فقط از منافع حلال بخش تجاری بازار، دست پانزدهم رقمی در حدود ۱ میلیارد تومان وجه نقد میرسد. به کار رساندن این حق و حساب ما به در اصطلاح اهل بخیه، "مبارزه برای تداوم تشیع سرخ علوی" گفته میشود.

ب - در حکایت کافرین مستکبر: دستها

از گلوی "زیباترین شهر جهان" کوتاه

زمانی نیک بی، شهردار اسبق تهران، در جایی گفته بود که تهران زیباترین شهر جهان است. این اظهار

فروتنانه مضمون چنان مقالات و نکته برداریها میجو میزد در مطبوعات آن روز شد که نمیگفتند نیک بی برای ساکت کردن طایفه ی روزنامه نگاران دست به دامان شخص شاه زد. اما با آنکه به احتمال زیاد شاه شخصاً دستور ساکت شدن روزنامه را صادر کرد، همان انکسار اولیه ی خبری بیانی حیرت انگیز شهر تهران برای شروع توطئه های ابرقدرت ها کافی بود. به ویژه که امروز آنها کمربند بودی دولت مستضعفان هم بسته اند دوهفته پیش خبر رسید که آلونک های غیرقانونی حاشیه ای اتوبان کرج با بولدوزر ویران شده است و مقامات دولتی خبر از سرشته ای عظیم دادند که گویا قرار بود به دست ایادی ابرقدرت ها عملی شود اما، بحمد الله، به همت برادران تفنگچی در هم شکسته شد. آستاندار تهران زو فرماندار کرج یک صد نفر را دزدند که "ممکن بود این عده با این کار خسود قعدا باشند که در آینده گلوی تهران را در دست بگیرند..." و "اگر این عده موفق میشدند که این شاهراه حیاتی را ببندند بزرگترین ضربه را به اقتصاد مملکت و حتی به رزمندگان، در جبهه ها که تدارکشان از این شاهراه تا بین میشد وارد ((می)) ساختند..." و نتیجه گرفتند که "بطور کلی ساختن خانه در اطراف تهران خطری است که نه تنها تهران بلکه انقلاب را تهدید میکند..." یکی از علائم جدی تهدید مورد نظر مقامات حکومت اسلامی، شعارها می بود که جمعیت در اعتراض به تخریب کلیه ها پیش به دست رزمندگان دلبر اسلام میداد و بیه گفته ی آستاندار تهران، "در همین رابطه سربک روحانی را شکستند..." فرماندار کرج، جماعت خانه خراب و معترض را چنین توصیف میکند: "این عده ۷۰ درصد مهاجر هستند که هیچ پایگاه فرهنگی در منطقه ندارند و ۳۰ درصد دیگر هم از کسانی هستند که در مناطق دیگر منافعی دارند و عمدتاً آدمهای فاسدی هستند و برای بسا زوبندازی به این محل آمده اند..." (تمام نقل قولها از جمهوری اسلامی، ۳۰ فروردین ۶۰).

بی تردید مجاورت با جماعتی فاسد که مجبور به زندگی در آلونکها می بی ستون و غیر مسترد در میان صحراها شد و بعنوان نخستین اعتراض سربک روحانی جلیل القدر را بشکند پیش از حد خطرناک است. حضور دشمی این آوارگان بی نزاکت و فاقد پایگاه فرهنگی، بیش از همه، تهدیدی مخوف برای حکومت ولی فقیه و میلیاریتها تومانی است که تشیع سرخ علوی از سود با آورده ی ستون ستبر اسلام میبوسرد. وگرنه، زیباترین شهر جهان دیگر چیزی نیست که با کم و زیاد شدن چند میلیون نفر از جمعیت مهاجر جری که به انتظار معجزه ی زمانداران متخصص و مکتبی، در آغوش دودزده ی آن میلولد به گلوگاه تا زینیش آسیبی برسد.

هفته نامه
رهائی
نشریه
سازمان وحدت کمونیستی